



خوب زیستن مهمترین ویژگی فضیلت اخلاق ارسطویی است

استاد دانشگاه قم با بیان اینکه مهمترین ویژگی فضیلت اخلاق ارسطویی، خوب زیستن است، افزود: در این نگاه، فضیلت همان سعادت است یعنی اگر مجموعه فضایل انسانی را در نظر بگیریم نام دیگر آن سعادت است.

استاد دانشگاه قم با بیان اینکه مهمترین ویژگی فضیلت اخلاق ارسطویی، خوب زیستن است، افزود: در این نگاه، فضیلت همان سعادت است یعنی اگر مجموعه فضایل انسانی را در نظر بگیریم نام دیگر آن سعادت است.

محسن جوادی به گزارش ایکنا، محسن جوادی؛ استاد دانشگاه قم و پژوهشگر اخلاق، ۱۲ شهریورماه در نشست علمی «نظریه اخلاق فضیلت» از سلسله نشست های اولین مدرسه از «مدرسه های فصلی فلسفه اخلاق» با اشاره به تعریف فلسفه اخلاق و نظریات اخلاقی، گفت: فلسفه اخلاق به فلسفه ورزی پیرامون اخلاق گفته می شود و موضوعی که به خاستگاه اصلی ارزش ها و تکلیف و فضایل و رذایل و در یک کلمه اساس هنجاریت می پردازد به آن نظریات اخلاقی گفته می شود. چراغ سبز و قرمز هنجار است زیرا جهت هدایتگری و راهنمایی دارد و فلسفه اخلاق هم دفاع از یک ایده به صورت فلسفی است مثلاً بگویم امر الهی منشأ اخلاق است؛ فرد دیگری می گوید هنجاریت از لذت شروع می شود و ممکن است کسی بگوید اخلاق از عرف جامعه منشأ می گیرد که به آن نسبی گرایی گویند.

وی با بیان اینکه اخلاق فضیلت از قدیمی ترین و رایج ترین نظریات اخلاقی است که بنده قصد دارم به آن بپردازم، اظهار کرد: در فلسفه ورزی اخلاق مباحث فرا اخلاق هم مطرح است یعنی بحث راجع به هنجارها هستند ولی ورود به هنجارها نیستند؛ مثلاً در فلسفه ریاضی ما معادله حل نمی کنیم ولی در مورد ریاضی بحث می کنیم یا تحلیل خوب و بد از این دست هنجارها است.

جوادی با اشاره به اپلای اتیک یا اخلاق کاربردی با بیان اینکه این ترجمه دقیق نیست و در افواه عمومی به صورت خطا جا افتاده است، افزود: مثلاً در پزشکی به جای صحبت های کلی اخلاقی، وارد جزئیات می شویم و این با مدیکال اتیک فرق دارد که مجموعه مقررات و آئین نامه ها هستند.

وی با بیان اینکه بین فضیلت و اخلاق فضیلت فرق وجود دارد و هر کسی از فضیلت سخن بگوید مدافع اخلاق فضیلت نیست، گفت: ممکن است کسی روان شناسی و شخصیت را بحث کند و بگوید آیا شخصیت یا حالات پایدار نفسانی وجود دارد یا خیر ولی او در مورد اخلاق فضیلت سخنی نگفته است؛ اخلاق فضیلت یعنی منشأ همه اخلاق را فضیلت بدانیم. تلازم سعادت و فضیلت

جوادی با اشاره به مؤلفه های اخلاق فضیلت، تصریح کرد: تقریر مهم اخلاق فضیلت، رسیدن به فضیلت و سعادت است؛ یعنی وقتی کاری بد است که به رذیلت منجر شود و فردی وقتی بد است که این رذایل را داشته باشد؛ در دنیای جدید چند تقریر مهم از اخلاق فضیلت وجود دارد از جمله اخلاق ارسطویی.

استاد دانشگاه قم با بیان اینکه مهمترین ویژگی فضیلت اخلاق ارسطویی، خوب زیستن است، افزود: در این نگاه، فضیلت همان سعادت است یعنی اگر مجموعه فضایل انسانی را در نظر بگیریم نام دیگر آن سعادت است؛ یعنی سعادت هدفی است که به چند چیز منحل می شود؛ مثلاً اگر کسی از ما بپرسد که چرا دنبال شجاعت هستی می گوئیم زیرا سعادت است بنابراین رابطه سعادت و فضیلت درهم تنیدن و منحل شدن در یکدیگر است.

وی افزود: از نظر متفکران بزرگ اخلاقی و برخی حکمای ما مسئله اخلاق، پرسش از خوب زیستن است یعنی انسان امکان های زیست مختلفی دارد و به قول ارسطو می تواند زندگی دور از خوشی و لذت داشته باشد و یا می تواند مسیر اصلی زندگی یک فرد، قدرت باشد؛ کسی می تواند مسیر خود را شهرت انتخاب کند؛ اخلاق، محصول آگاهی انسان از امکان زیست مختلف است؛ از نظر ارسطو اگر برای کسی نیک زیستن مطرح نباشد مسئله اخلاق هم اهمیتی برای او ندارد. بنابراین فرض اصلی ارسطو این است که گرایش به خیر و نیکی منشأ اخلاق است.

فضیلت و رذیلت وابسته به کارکرد انسان است
وی افزود: نکته دیگر اینکه اگر سبک زندگی بخواهد خوب باشد کدام سبک از منظر ارسطو خوب است؟ او می گوید این مسئله به کارکرد انسان وابسته است. در دنیای جدید که بحث خدا را کنار گذاشتند گفتند مگر انسان کارکرد دارد؟ ولی ارسطو حتی برای همه اجزای بدن انسان کارکرد قائل بود و می گفت وقتی هر عضوی از انسان کارکردی دارد مگر می شود انسان در مجموع کارکردی نداشته باشد؟ بنابراین او فضیلت را به کارکرد انسان وابسته کرد.

جوادی با تأکید بر اهمیت انسان شناسی، بیان کرد: وقتی ما انسان را نشناسیم کارکرد او را نمی شناسیم و وقتی کارکرد او را

نشناسیم فضیلت او را هم نمی شناسیم؛ ارسطو فصل ممیز انسان را عقلانیت او می داند؛ البته اگرستانسیالیست ها با این نظر موافق نیستند و انسان را همین گوشت و پوست و استخوان می دانند و عقلانیت را هم غفلت از بدن انسان می دانند؛ ارسطو محور اصلی انسان را خردورزی می داند و می گوید خردورزی مواجهه انسان با عالم است؛ دو نوع عالم داریم یکی عالمی که ما فقط نظاره گر او هستیم و فقط زیبایی و حقیقت او را درک می کنیم که فلسفه نظری است؛ در اینجا انسان کاره ای نیست لذا فلسفه سیوروت انسان به صورت ذهنی در عالم است و انسان فقط می تواند آینه باشد و هر چیزی که هست شهود کند.

جوادی تصریح کرد: یک عالم دیگر به نام امکان وجود دارد که ما فقط نظاره گر آن نیستیم و در اینجا تخیل انسان هم نقش دارد؛ انسان در اینجا می تواند هر عملی انجام دهد یعنی خانه و ماشین و ... بسازد؛ عمل در نظر ارسطو با فکر فرق دارد لذا در اینجا تدبیرکردن پیدا می شود؛ مهمتر از تولید و عمل در نظر ارسطو، خود را ساختن و ارتقاء دادن است؛ مثلاً انسان وقتی راست می گوید چیزی را عوض می کند نه اینکه تولید کند. اعمال عقلانیت یعنی خوب دیدن مبدا هستی. عقل همه نظر نیست بلکه محصول درست عمل کردن و تغییردادن هم هست که ارسطو مجموعه این کار را سعادت می داند.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه در نظریه ارسطو خوب دیدن و درست دیدن ربطی به اخلاق ندارد و اخلاق بخشی از پروژه خوب زیستی و سعادت انسان را تأمین می کند، اضافه کرد: زندگی دارای سه ساحت ذهن و نظر، احساس و عمل است. ساحت ذهن خیلی در اخلاق مورد بحث نیست ولی ساحت دیگر مورد بحث است یعنی بخش عمده ای از زندگی انسان مدیریت احساسات است و با رها بودن احساسات انسان زندگی خوبی ندارد و انسان نمی تواند عملش را رها کند و بخواهد زندگی خوبی داشته باشد. البته از منظر فلاسفه ممکن نیست کسی نظر و ذهن خوبی نداشته باشد و بتواند احساس و عمل خوبی داشته باشد.

اخلاق در منظر ارسطو

این پژوهشگر حوزه اخلاق گفت: ارسطو اخلاق را نظم و نسق دادن به زندگی دنیا می داند ولی در مجموع درست نظرکردن را مبنای کار خود قرار می دهد و معتقد است اگر کسی خوب به عالم نظر نکند نخواهد توانست سبک زندگی خوبی هم داشته باشد. برخی برداشت نادرستی از ارسطو دارند در حالی که او اخلاق و هنر را یکی می داند و زشتی و زیبایی یک عمل را وابسته به نوع نگاه به عالم هستی می داند؛ او ایده اعتدال را در زیبایی نفس و اعمال دنبال می کند.

جوادی ادامه داد: در پزشکی هم می گوید مفهوم سلامت مانند حسن اخلاق و زیبایی اخلاق است؛ یک پزشک وقتی در مورد سلامتی سخن می گوید یعنی وضعی که سودا و صفرا و ... در تعادل هستند و سلامت نفس هم یعنی تعادل بین قوای انسان. چیزی که برای ارسطو مهم است اعتدال است ولی اعتدال یک عدد ثابت نیست. خیلی از بزرگان اخلاق هم برای فهم زیبایی مثلاً آن را به زیبایی یک نقاشی تشبیه می کنند.

وی در جمع بندی بحث با بیان اینکه در مقطعی چون نظریه فضیلت بار الهی داشت کنار گذاشته شد، افزود: ارسطو معتقد بود وقتی انسان کارکرد دارد این کارکرد را خدا برای او تعریف کرده است.

جوادی با اشاره به نو ارسطوئیان، اظهار کرد: این ها همه دیدگاه های ارسطو را قبول ندارند و در آن تغییراتی ایجاد کرده اند از جمله اینکه ظرفیت گرایی را مطرح می کنند یعنی به تعبیر فارابی ظرفیت انسان است که تحقق ذات را به انسان می دهد؛ بنابراین اعتدال ارسطو یعنی اینکه زندگی خوب یک نفر با زندگی خوب دیگری ممکن است فرق کند زیرا خط کش اخلاقی واحدی برای همه وجود ندارد؛ البته معنای این مسئله هرج و مرج و نسبی گرایی نیست. مانند وقتی که دکتر به دو بیماری که سرماخوردگی دارند به یکی یک قرص و به دیگری دو عدد بدهد.

وی با بیان اینکه در اخلاق اگر بخواهم در مورد نظریات سخن بگویم نمی توان از همه جهات یک نظریه را خوب دانست لذا پیچیدگی در بحث وجود دارد، افزود: مفاهیم اخلاقی چاق هستند نه لاغر؛ مفهوم لاغر مانند مفهوم باید و نباید است ولی وقتی از فضیلت شجاعت سخن می گویم چاق است یعنی هم شجاعت را طرح کرده است و هم جهت به ما می دهد که شجاع باشیم. مفاهیم اخلاقی از منظر ارسطو ترکیبی از توصیف و هنجار است لذا چاق هستند.

احساس گرایی عجیب و غریب در غرب

جوادی اضافه کرد: مفاهیم اخلاقی اکتشافی هستند نه جعلی یعنی واقعیاتی هستند که ما باید آن را کشف کنیم. الان احساس گرایی عجیب و غریبی در غرب وجود دارد که هر کسی منظومه اخلاقی برای خود درست می کند در حالی که یک بنیان واقعی در نظریه ارسطو وجود دارد لذا در اینجا ارسطو از الگوگرایی هم دفاع می کند؛ الگوگرایی یعنی انسان باید آنقدر سرمشق بگیرد تا به فضایل اخلاقی دست پیدا کند؛ یعنی برای عادل شدن و شجاع بودن علی(ع) را پیش چشم خود داشته باشد.

وی با بیان اینکه برخی تصور می کنند الگوگیری یعنی خودت فکر نکن ولی این برداشت درست نیست، اظهار کرد: برخی هم بر این مبنا، اخلاق و فقه را در تضاد می دانند در حالی که اگر اخلاق نباشد فقه هم نخواهد بود. در آیه ابتدایی سوره بقره فرموده

است که قرآن هدایت برای متقین است؛ برخی مانند علامه طباطبایی معتقدند که متقین یعنی کسانی که اخلاقی هستند. به تعبیر آکوئیناس اخلاق راه سخت و دشوار است و شاید دلیل اینکه علامه تقوا را با اخلاق یکی می داند همین سختی باشد لذا حرف از شجاعت و عدالت آسان است ولی عادل شدن و شجاع شدن کاری بسیار دشوار است. مشکل جامعه امروز

جوادی بیان کرد: مشکل جامعه امروز ما این است که الگو و سرمشق کم دارد؛ البته سرمشق به معنای مرید شدن نیست؛ اخلاق یعنی اراده انسان در دست خود باشد ولی الگوگیری و سرمشق برای رسیدن به فضیلت اخلاقی لازم است. کانت معتقد است بنیاد اخلاق تحمیلی است و بخواهد و نخواهد ندارد؛ یکی از فلاسفه اخلاق مصر یعنی عبدالله دراز که کتاب قانون اخلاق در قرآن را نوشته است معتقد است که اخلاق اسلامی به کانت نزدیکتر است تا به ارسطو.

استاد دانشگاه قم با اشاره به نقد دیگر کانت به ارسطو گفت: او معتقد است که ارسطو پای احساسات را بیش از حد به اخلاق باز کرده است؛ ارسطو عقیف را کسی می داند که به نرفتن به سمت قدرت و خوردن و تامین شهوات افراطی روی نفس خود کار کرده است ولی کانت در تفاوت بین عقیف و خویشندار، خویشندار را ترجیح می دهد زیرا اعمال قدرت عقلانی در آن بیشتر است و عقل بروز بیشتری نسبت به حس دارد.

وی در پایان افزود: برخی گفته اند سعادت نوعی خودگرایی است در حالی که اخلاق یعنی غم دیگران خوردن و به دیگران توجه کردن که باید در جواب گفت این ها قابل جمع هستند یعنی این نوع خودگرایی انسان را به سمت فضیلت کمک به دیگران و نیک خواستن برای دیگران سوق می دهد. ما چالش های جدی در آینده در عرصه اخلاق خواهیم داشت لذا باید تامل و تحقیقات جدی تری در این عرصه هم داشته باشیم.

گزارش از علی فرج زاده